موضع واقعی آمریکا در رابطه با قیمتهای نفت چیست؟

در سال جاری دو عامل،که(ظاهرا)ارتباطی‏ نیز با یکدیگر ندارند،تحولات بازر نفت را رقم خواهند زد.اولین عامل تصمیماتی است‏ که کشورهای عمده صادر کننده نفت در مورد میزان تولید خود اتخاذ خواهند کرد.عامل‏ دوم سیاستهای انرژی آمریکا با توجه به سال‏ انتخابات ریاست جمهوری در این کشور است.در میان کشورهای صادر کننده نفت‏ ظاهرا اتفاق نظر کلی در مورد تمدید برنامه‏های کاهش تولید وجود ندارد.در برخی کشورهای عضو اوپک برای تمدید برنامه‏های کاهش تولید(حداقل تا ماه ژوئن) ابراز تمایل شده است.

برخی نیز معتقدند بهتر است در تصمیم‏گیری عجله نکرد تا مشخص شود عرضه‏ و تقاضای نفت و همچنین سطح ذخیره‏سازیها در واقعیت به چه صورت درخواهد آمد و سپس تصمیم مقتضی گرفته شود.با توجه به‏ اینکه فصل زمستان ایالات متحده خیلی هم سرد نبود،انتظار می‏رود سطح تقاضای نفت کمتر از میزان پیش بینی شده توسط IEA باشد.

در این میان تمامی توجهات معطوف‏ عربستان،ونزوئلا و مکزیک خواهد بود، یعنی سه کشوری که نقش اصلی را در توافق‏ کاهش تولید نفت در ماه مارس 1999 ایفا کردند.از قضای روزگار این سه کشور از متحدین راسخ آمریکا بوده و بیش از هر چیز ابه افزایش سهم خود در بازار نفت آمریکا علاقه‏مند می‏باشند.شایان ذکر است که‏ امریکا بزرگترین وارد کننده و مصرف کننده‏ نفت در جهان است.به دلایل مذکور هیچیک‏ از این کشورها نمی‏توانند نسبت به‏ سیاست‏های انرژی آمریکا بی تفاوت باشند.

افزایش قیمتهای نفت در دید عموم در هیچ یک از کشورهای وارد کننده به اندازه‏ آمریکا امر ناپسندی تلقی نمی‏شود.بیل‏ ریچاردسن وزیر انرژی امریکا در دسامبر گذشته اعلام کرد که تصور می‏کند قیمت‏های‏ نفت در حال رسیدن به سطح خطرناکی است.با وجود این سیاست آمریکا در این زمینه چندان‏ روشن و شفاف نیست.درواقع ریچاردسن تنها مقام رسمی آمریکایی است که در این زمینه‏ اظهار نظر کرده و حتی نگفته است که قیمت‏ها خیلی افزایش یافته بلکه اظهار داشته که در حال رسیدن به سطح خطرناکی است.

جالب توجه است که گذشته از اظهارات‏ مبهم وزیر انرژی امریکا،افزایش شدید قیمت‏های نفت در سال 1999 عکس‏العمل‏ منفی چندانی را در میان دولت مردان امریکا برنیانگیخته است.

طی 14 سال گذشته یعنی از سال 1986 تا 1999 میزان ذخایر اثبات شده امریکا با 40 درصد کاهش از 1/35 میلیارد بشکه به‏ 1/21 میلیارد بشکه رسیده است.میزان‏ تولید نفت این کشور نیز طی این مدت‏ 2/31 درصد کاهش داشته و از 68/8 میلیون بشکه به 97/5 میلیون بشکه در روز سقوط کرده است.در دوره مذکور میزان‏ مصرف نفت امریکا 1/18 درصد افزایش‏ داشته و از 33/16 میلیون بشکه در روز در سال 1999 بالغ شده است.در همین‏ دوره زمانی وابستگی امریکا به نفت‏ وارداتی از 2/33 درصد به 9/50 درصد افزایش یافته است.با توجه به وضعیت‏ موجود و آمار و ارقام بالا بنظر می‏آید آنچه‏ که برای آمریکا بیشتر از قیمت‏های نفت‏ مطرح می‏باشد،احساس امنیت از نظر عرضه آن است.تنها در سال گذشته میزان‏ ذخایر نفتی اثبات شده امریکا 7/6 درصد کاهش داشته در حالی که ذخایر نفتی‏ اثبات شده جهان تنها 8/1 درصد کاهش‏ داشته است.

برای جبران کاهش ذخایر نفتی،میزان‏ تولید و همچنین حل مسئله وابستگی‏ فزاینده امریکا به نفت وارداتی،ایالات‏ متحده ناچار خواهد بود پذیرای قیمت نفتی‏ شود که سرمایه‏گذاری در بخش اکتشاف و تولید،چه در داخل و چه در خارج از امریکا را تشویق کند.امریکا در اوایل دهه هفتاد و بار دیگر در پی سقوط قیمت نفت در سالهای‏ 86-1985 به منظور تشویق سرمایه‏گذاری‏ در بخش بالادستی،از افزایش قیمت‏های‏ نفت حمایت کرده است.بدین ترتیب دلایل‏ زیادی وجود دارد برای آنکه تصور کنیم‏ امریکا نیز از برنامه‏های کاهش تولید به‏ منظور افزایش قیمت‏های نفت بصورتی‏ محتاطانه حمایت کرده است.ظاهرا برای‏ چند ماه آینده نیز این همگرایی(حمایت از قیمت‏های بالای نفت)میان اهداف امریکا، که صراحتا اعلام نشده و اهداف کشورهای‏ صادر کننده نفت که صراحتا اعلام نشده،ادامه‏ خواهد داشت.

برای برآورد وضعیت قیمت‏های نفت در سال 2000 بهتر است تا برگزاری اجلاس‏ آتی اوپک یعنی تا اواخر ماه مارس منتظر ماند.البته به احتمال زیاد اوپک تصمیم به‏ ادامه برنامه‏های کاهش تولید خواهد گرفت. دراین میان بایستی گوشه چشمی هم به‏ واشنگتن و اهداف مورد نظر آن داشت.

به نقل از نشریه بازار نفت،شماره 2964 ARAB OIL GAS

16January 2000